مزایا و معایب کارکرد عقد شرکت در بانکداری اسلامی

محمدعلی حسینی[1]

چکیده

بانکداری اسلامی و ابزارهای تأمین مالی آن، با عقود مشارکتی مانند عقد شرکت، مضاربه، مساقات و... در دنیا معرفی شده است، تا جایی که بانکداری اسلامی را به عنوان بانکداری شراکت در سود و زیان می‌شناسند؛ با این‌که استفاده از عقود مشارکتی در صنعت بانکداری، در بسیاری موارد گره‌گشای مشکلات بازار پولی و مالی اسلامی بوده و در مدتی کوتاهی توجه سرمایه گذاران و سپرده‌گذاران را بخود جلب نموده و خود را به عنوان رقیبی در برابر ابزارهای متعارف پولی و مالی در دنیا مطرح کرده است، ولی در مواردی هم با موانع و کاستی‌های خاص خود مواجه بوده است. در نوشته پیش‌رو سعی براین بوده است که جواب این سوال اصلی داده شود که مزایا و معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی چیست؟ و جنبه‌های مثبت و منفی استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی کدام اند؟ تا از مزایای آن استفاده‌های مطلوب صورت گیرد و معایب آن اصلاح گردد.

کلیدواژه‌گان: عقدشرکت، بانکداری اسلامی، مزایای عقدشرکت، معایب عقدشرکت.

---

[1]. دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی(ص) العالمیه. gajir۱۳۵۳@gmail.com

مقدمه

از نظر بینش اسلامی، دریافت و پرداخت و داداوستد ربوی به شدید ترین وجه ممکن منع شده است، لذا در بانکداری اسلامی ابزارهای دیگر جایگزین قرض ربوی گردیده و در این راستا از انواع عقود اسلامی [مشارکتی ومبادله‌ای] استفاده شده است. در قسمت عقود مشارکتی، عقد شرکت از عقود پر کاربرد در صنعت بانکداری محسوب می‌شود، این عقد در راستای استفاده ابزار بانکداری همان‌گونه که از مزایایی برخوردار است، دچار کاستی‌های نیز می‌باشد. طبیعا در این تحقیق کوشش شده است جنبه‌های مثبت و منفی استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی توضیح داده شود، تا ابعاد مزایا و معایب استفاده از آن در بانکداری اسلامی مورد بحث و بررسی و مقایسه قرار گیرد. در نتیجه از مزیت‌های آن بهره‌گیری و از معایب آن در صنعت بانکداری دوری شود یا اصلاح گردد.

این نوشته در دو گفتار تحت عنوان مزایا و معایب استفاده از عقد شرکت تدوین گردیده است.

پیشینه تحقیق

فقها در ادوار مختلف فقهی تلاش‌های وصف ناپذیری برای استخراج احکام فقهی از خود بروز داده اند، در رابطه با مسائل تجاری و مالی مانند مسائل عبادی صدها جلد کتاب تألیف و تدوین گردیده است، عقد شرکت نیز یکی از موضوعات مورد بحث آن‌ها بوده که در تمام کتب فقهی به آن توجه شده است و نیازی به اسم بردن از کتاب‌ها و نوشته‌های آن‌ها نیست؛ در سال‌های اخیر نیز پژوهشگران در این حوزه اقدام به نوشتن مقالاتی کرده اند که تعدادی آن‌ها به قرار ذیل است:

از جمله مقاله‌ی تحت عنوان «مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی» توسط معین اکبرزاده به رشته تحریر درآمده است؛ در این مقاله نویسنده بیشتر عقود مبادله‌ای و مشارکتی را مورد بحث و بررسی قرار داده و تلاش نموده ویژگی‌های خاص هر دسته از این عقود (مبادله‌ی و مشارکتی) را توضیح بدهد و مشکلات و مزایای هر کدام را در به کارگیری بانکداری اسلامی، روشن سازد و مشکلات و انحرافات به کارگیری هر یک از عقود در بانکداری

اسلامی را مورد بحث قرار دهد. اما به دلیل این‌که عقود مبادله‌ی و مشارکتی طیف وسیعی از باب تجارت را شامل می‌شود، انتظار نمی‌رود که در یک مقاله، تمام آنچه که لازم است، بیان شده باشد. (اکبرزاده،۱۳۹۲: ۱۹٤).

محمدنقی نظرپور و فرشته ملاکریمی نیز مقاله‌ی دارند تحت عنوان: «بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی» در این مقاله سعی شده است قرارداد مشارکت مدنی که از سوی بانک مرکزی به منظور یک‌نواخت سازی قراردادهای بانکی تنظیم و به بانکه‌ای ابلاغ گردیده را با قواعد فقهی مورد بررسی قرار داده و میزان مطابقت شرعی قرارداد مذکور را با قواعد کلی فقهی مورد سنجش قراردهد. نویسنده‌گان این مقاله عقیده دارند: با این‌که قانون گذار اهتمام داشته که مسائل شرعی را مورد توجه ویژه قرار دهند اما باز هم ایرادهای چندی بر این قرارداد وارد است من جمله: در ماده یازده، شرط تضمین سود مطرح گردیده که این شرط با اشکالات مخالفت مقتضای عقد، اکل مال به باطل و ممنوعیت ربا مواجه است و در موارد دیگر شرط‌های تحمیلی و وکالت بلاعزل از دیگر اشکالات این قرارداد است. (نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹٤: ۱۳۷).

سید روح الله احمدی حاجی آبادی و احمد بهاروندی نیز مقاله‌ای دارند تحت عنوان «راه‌کارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران»، در این مقاله با اقرار به این مسئله که بانکداری اسلامی توانسته جایگاه مناسب خود را بیابد، به مشکلاتی مانند ریسک بالای فضای کسب وکار، عدم انعطاف پذیری نظام حسابداری رایج، فشارهای سهامداران بانک جهت سودآوری بیشتر، مشکل‌های نظارت، ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور اشاره می‌کنند و بعد راهکارهای مانند تشکیل صندوق‌های سرمایه گذاری وابسته به بانک‌ها و تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مستقل از بانک‌ها را برای مقابله با چالش‌های فوق پیش نهاد می‌کند. (احمدی حاجی آبادی و بهاروندی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

محمد طالبی وحسن‌کیانی نیز مقاله‌ای دارند تحت عنوان «ریشه یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران» نویسندگان این مقاله عقیده دارند که: با وجود رشد چشم‌گیر بانکداری اسلامی، این صنعت با چالش‌هایی نیز

همراه بوده است که عمده این چالش عبارتند از: عدم اجرای صحیح عقود مشارکتی، نبود توان تخصص در نظارت و اجرای پروژه‌های مشارکتی و اختلال در سیاست‌های پولی بانک مرکزی. به سبب همین چالش‌ها، نویسندگان این مقاله می‌گویند: بنابراین، به نظر می‌رسد طراحی یک الگوی بانکداری اسلامی به نحوی که در آن از عقود مشارکتی در نهاد بانک هیچ استفاده‌ای نشده باشد، ضروری است(طالبی و کیانی، ۱۳۹۱: ۳۷).

با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های فوق، این نوشتار در پی تکمیل تلاش‌های محققین، بنا دارد در حد وسع و بضاعت اندک خود، گامی هرچند کوچک در راه پیش‌برد مسائل علمی و رفع مشکلات بانکداری اسلامی بر دارد. لذا لازم است تا مزایا و معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری بطور جدی‌تر مورد توجه قرارگیرد و عیب و نقص استفاده از این عقد در صنعت بانکداری مشخص گردد.

تعریف شرکت در قانون مدنی ایران

یکی از حقوق دانان معروف می‌نویسد: درماده ۵۷۱ قانون مدنی ایران شرکت چنین تعریف شده است: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوقین مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه»(کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۰) ایشان بعد اعتراف می‌کنند که مفاد این تعریف هم از فقه گرفته شده و در آن نه به ماهیت شرکت توجه شده نه به اسباب آن؛ سپس اضافه می‌کند که: اشاعه در مالکیت، جوهر شرکت است و اسباب ایجاد آن می‌تواند اختیاری و ناشی از ارادهٔ شرکاء باشد یا قهری؛ به همین اعتبار قسم نخست را «اختیاری» و دوم را «قهری» می‌نامند(کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۱).

بعد از بحث و بررسی درباره تعریف شرکت چنین جمع بندی می‌کند: «بنابراین، در تعریف شرکت می‌توان گفت: «عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص، به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه مقاصد دیگر، حقوق خود را در میان می‌نهند تا به جای آن مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۷).

ارکان تعریف شرکت

ارکان تعریف فوق را بدین شرح می‌توان برشمرد:

۱- هر یک از شریکان باید مالی را به عنوان آورده خود در این اجتماع بگذارد. این مال ممکن است مبلغی پول، خدمت (یا جنس) باشد، ولی در اقسام شرکت خواهیم دید که در نظام قانون مدنی، به پیروی از فقه امامیه، موضوع شرکت باید حق مالکیت باشد و دو نفر نمی‌توانند بر مبنای شرکت در خدمات یا اعتبار خود پیمان ببندند.

۲- اموال شرکت باید بطور مشاع به ملکیت شریکان درآید: برای مثال، اگر شریکی ماشین‌های صنعتی و دیگری زمین و سومی مقداری پول در میان گذارد، باید تراضی به این مبنا باشد که هر شریک سهم مشاعی از ماشین‌ها، زمین و پول را دارا شود، وگرنه شرکت تحقق نمی‌یابد.

۳- سود و زیان به تناسب سهم شریکان در مال مشاع تقسیم می‌شود، ولی مانعی ندارد که آنان به گونهٔ دیگر تراضی کنند و سهم شریکی را از سود فزون تر سازند یا از سهم او بکاهند.

گفتار اول: مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی

قبل از وارد شدن به بحث مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی، لازم است که اشاره‌ای به برخ از ویژگی‌های خاص این عقد گردد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- متغیر بودن سود: مقدار سود صاحبان شرکت، تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی کل جامعه و متغیرهای تأثیر گذار بر بنگاه مربوطه قرار دارد، در نتیجه در ابتدای سال‌مالی گرچه می‌توانند با توجه به پارامترهای گوناگون، دامنه سود انتظاری را پیش بینی کرد، اما سود تحقق یافته در پایان دوره مالی مشخص می‌شود.
- مشارکت در نتایج سود و زیان: در معامله‌های مشارکتی، دو طرف قرارداد به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعالیت اقتصادی ملتزم هستند، اگر نتیجه فعالیت سود سرشار بود، برای همه توزیع می‌شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ چیز نبود، نتیجه برای همه مساوی است.
- مستمر بودن قرارداد: معاهده‌های مشارکتی، ماهیت استمراری دارند و تا پایان فعالیت اقتصادی و سررسید معاهده، قرارداد استمرار دارد، برای مثال، وقتی چند نفر جمع

شده، از طریق مشارکت مدنی، سرمایه فعالیت اقتصادی را تـأمین مـی‌کننـد تـا زمـانی کـه فعالیت مذکور ادامه دارد و شرکت منحل نشده، قرارداد استمرار دارد.

- اذنی بودن قرارداد: یعنی سرمایه‌ای که بانک در اختیار واحدهای تولیدی می‌گـذارد به مالکیت آن‌ها در نمی‌آید بلکه تنها اذن تصرف به آن‌ها داده می‌شود.
- نیازمند نظارت و کنترل: نتیجه منطقی ویژگی‌های پیشین این است کـه شـریکان و صاحبان فعالیت اقتصادی برای استیفای کامل حقوق خود، بـه صـورت پیوسـته و مسـتمر جریان هزینه‌ها و درآمدها را نظارت و کنترل کنند، چـون احتمـال انـواع اشـتباهات مـالی وجود دارد(اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۱٦۱).

حال که ویژگی‌های خاص عقد شرکت معلوم گردید، چند مورد از مزایای اسـتفاده از آن در بانکداری اسلامی به شرح زیر است:

۱- توزیع عادلانه ثروت

یکی از اهداف مهم نظام اسلامی، برقراری عدالت فراگیر در همه‌ی ابعاد آن اسـت. از میان جنبه‌های مختلف عدالت، آنچه در این بحث مورد نظر مـی‌باشـد، عـدالت اقتصـادی است، به این معنا که منابع و ثروت‌های جامعه در اختیار یک طبقه خـاص قـرار نگیـرد و فاصله طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه فزونی نیابد(فراهانی فرد، ۱۳۹۱: ۱۰۹). لذا از بین عقود شرعی که در بانکداری کاربرد دارد، عقودی دارای مزیـت اسـت کـه اهـداف عـالی اسلامی یعنی برقراری عدالت را بخوبی دنبال کند. این مزیت در اسـتفاده از عقـد شـرکت در بانکداری اسلامی بخوبی مهیا است. زیرا یکی از مزایـایی اسـتفاده از عقـد شـرکت در بانکداری توزیع عادلانـه ثـروت اسـت. چـون در نظـام مشـارکت، پیامـدهای مطلـوب و نامطلوب فعالیت اقتصادی متوجه هر دو طرف قرارداد (عامل و صـاحب سـرمایه) اسـت، نتایج حاصل از آن نیز در قالب سود و زیان نصیب هردو می‌شـود؛ در حـالی‌کـه در نظـام بهره، وام دهنده به دلیل کنار بودن از اقتصاد واقعی، همیشه در طرف برنده‌ها قـرار دارد و در بلندمدت، دارایی در طرفی جمع می‌شود که همیشه برنده است. چون یکـی از اهـداف اصلی نظام اقتصاد اسلامی ایجاد عدالت و توزیع متـوازن ثـروت اسـت و بانـک هـم کـه هدایت کننده فعالیت‌های اقتصادی است، زمانی عدالت کامل را به ارمغان مـی‌آورد کـه در

توزیع ثروت منصفانه عمل کند، این مسئله میسر نیست مگر در نظام مشارکت در سود و زیان.

برخی از پژوهشگران حوزه بانکی در این مورد می‌گویند: تغییر شکل بانکداری از نظام مبتنی بر بهره به نظام که بر مشارکت در سود و زیان استوار باشد، نظام بانکداری اسلامی را اساساً به نظام مبتنی بر مشارکت تبدیل می‌کند. (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۹). در چنین نظامی، سپرده‌گذاران به منزله صاحبان سهام بانک تلقی می‌شود و در نتیجه نرخ بازده از پیش تعیین برای سپرده‌های آنان تضمین نمی‌شود. اگر سودی عاید بانک شود، صاحبان سهام (سپرده‌گذاران) مستحق دریافت سهمی از آن هستند، اگر بانک متحمل زیان شود، سپرده‌گذار مطابق قاعده، باید در زیان شریک شود و ارزش اسمی سپرده او کاهش یابد. بنابراین، نتایج تحولات اقتصادی در سطح کلان و نتایج فعالیت بنگاه، در قالب سود و زیان بین همه تقسیم می‌شود و این موجب گسترش عدالت توزیعی بین عوامل تولید می‌شود(موسویان، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

این مسئله باعث می‌گردد از یک سو، سهامداران، در سودهای کلانی که احیانا نصیب بانک می‌شود، شریک باشند، از سوی هم در زمان‌های بحران، از ورشکستگی بانک جلوگیری به عمل آید که در هردو صورت از انباشت ثروت در دست عده‌ی محدود جلوگیری می‌گردد. برخی هم ادعا کرده اند که: اساس بانکداری اسلامی را می‌توان مشارکت دانست و سایر عقود را جزء عقود کمکی نه اصلی، برای بانکداری برشمرد. شاید به همین علت باشد که بانکداری اسلامی در دنیا به بانکداری مشارکت در سود و زیان (pls)[1] معروف شده است(نظرپور، ۱۳۹۳: ۱٤۰). در نظام بانکداری ربوی در بحث توزیع، تکیه اساسی بر سرمایه قرار دارد و همین امر موجب استثمار کارگران می‌شود، اما به علت آن‌که بخش قابل توجهی از منابع بانکی در بانکداری اسلامی به مشارکت صاحبان پس انداز و کارفرمایان اختصاص یافته ...این نوع توزیع [مشارکتی]، موجب کاهش فقر و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود و با این نوع توزیع، همه

۱- **profit & Loss sharing system** .

افراد جامعه می‌توانند از تمام منابع خدادادی بهره‌مند شوند(نظرپور، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

از آن‌طرف هم، بانکداری اسلامی بر اساس عقود مبادله‌ی، مثل مرابحه و فروش اقساطی چون مانند بانکداری ربوی عمل می‌کند، به این معنا که به جای شراکت در سود و زیان، سود معین و از پیش تعیین شده در نظر می‌گیرد، عقود مشارکتی نسبت به مبادله‌ی از توزیع ثروت عادلانه تری برخوردار است.

۲- افزایش بهره‌وری

به باور محققین علم اقتصاد، استفاده از عقود مشارکتی در بانکداری بدون ربا، افزایش بهره وری را در پی دارد. البته بهره‌وری کل، در بانک‌ها و در نتیجه بهره‌وری تولید کل داخلی تابع مسائل فراتر از انتخاب عقود خاص در بانکداری است، اما در صورت شرایط مساوی، عقود مشارکتی کاراتر از عقود مبادله‌ی در بانکداری بدون ربا عمل می‌کند. از آنجای که بانکداری ربوی نیز مانند بانکداری با عقود مبادله‌ی است باید کارکرد عقود مشارکتی نسبت به بانکداری ربوی نیز کاراتر باشد. به عبارت دیگر: از آنجایی که عوامل تولید یا نهاده‌ها عبارت است از سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه و مدیریت؛ ممکن است استفاده از عقود مشارکتی در بانکداری، در برخی از این موارد اثر مثبت بگذارد و موجب بهره‌وری گردد و در برخی موارد هم اثر خاصی از خود بجا نگذارد و در جای هم اثر منفی داشته باشد، ولی در مجموع به علت افزایش انگیزه کار و فعالیت، باعث رشد تولید و ستاده و ایجاد بهره‌وری می‌شود.

با توضیح کلی بالا و با نگاه جزئی‌تر به این نتیجه می‌رسیم که به دلیل سهیم شدن سپرده‌گذار و وام‌گیرنده در سود و زیان، و عدم تعیین قبلی سود ثابت، انتظار می‌رود که رفتار وام‌گیرنده در بانکداری مشارکتی، به مراتب سودمندتر و مفیدتر از حالتی باشد که سود بانکی از قبل و بدون در نظر گرفتن فعالیت اقتصادی معین شده است. زیرا در این نظام، کسب سود رابطه مستقیم با فعالیت اقتصادی دارد و حتی در صورت عدم فعالیت مؤثر اقتصادی، ممکن است هر دو طرف [وام‌گیرنده و سپرده‌گذار] دچار ضرر و زیان گردد. در حالی که در نظام بانکی مبتنی بر عقود مبادله‌ی، ممکن است وام‌گیرنده به فعالیت غیر اقتصادی مانند دلالی، یا فعالیت مخرب اقتصادی رو بیارود. به هر صورت

برای فعالیت اقتصادی در سیستم بانکداری مشارکتی انگیزه‌ی بسیار قوی‌تری وجود دارد، در حالی که در نظام بانکداری مبادله‌ی چنین نیست. از طرف دیگر، در نظام مشارکتی، همان‌گونه که سپرده‌گذار شریک است، ممکن است بانک هم به عنوان شریک سوم حضور داشته باشد، در این صورت علاوه بر نظارتی که روی فعالیت اقتصادی از طرف سپرده‌گذار اعمال می‌شود، کارشناسان با تجربه بانک هم نظارت دقیق‌تر خواهند داشت. تا از کارایی و حصول سود مورد انتظار مطمئین شوند، این مسئله کارایی سیستم مشارکتی را افزایش می‌دهد.

یکی از محققین در این باره می‌گوید: از نظر تئوریک، عمل‌کرد بانکداری اسلامی از آن‌جا که مبتنی بر تقسیم سود و زیان می‌باشد، انگیزه‌ای بیشتری برای کسب سود ایجاد می‌کند، وام‌گیرنده خود را ملزم به پرداخت اصل و ایجاد سود می‌داند و انگیزه‌ای لازم را دارد؛ وام دهنده (صاحب سرمایه) نیز از آن‌جا که امید به کسب سود دارد، انگیزه‌ای لازم برای ایفای نقش نظارتی و یا راهنمایی کردن وام‌گیرنده را خواهد داشت. در حال که قرض گرفتن مالکیت وجوه را به قرض گیرنده انتقال می‌دهد و روابط مالک را با وجوه قطع می‌کند. بر خلاف مشارکت که مالک، مالکیت خود را حفظ می‌کند و خود را در سود و زیان سهیم می‌بیند. پس می‌توان گفت که بانکداری اسلامی از این جهت بر کارایی می‌افزاید(هرورانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۵۲).

اما در بعد اجرا، سپرده‌گذار با بانک شریک هستند. و بانک مدیرعامل و کادر اجرایی خاص خود را دارد هرچه مدیریت، مهارت و تجربه مدیر عامل بیشتر باشد، بهره‌وری منابع مالی بالاتر خواهد رفت. اگر به هر دلیلی از جمله سوء مدیریت، عدم شفایت دستورالعمل‌ها، کارایی بانکداری اسلامی مخدوش شود و بانک نتواند سود مورد انتظار سپرده‌گذاران را فراهم کند، سپرده‌ها به سمت بانک‌های ربوی سرازیر می‌شود و همین طور در طرف تخصیص منابع، عدم کارایی بانک به مفهوم مواجه شدن با مازاد منابع است یعنی عدم کارایی بانک مساوی با افزایش هزینه استفاده از تسهیلات (به دلیل اخذ کارمزد بالاتر) می‌باشد (هرورانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۵۲).

یکی دیگر از محقیقن می‌گوید: از دیگر ویژگی‌های این دسته از عقود [عقود

مشارکتی] سهیم شدن در سود حاصل از عملیات موضوع مشارکت می‌باشد که همراه با نرخ ثابتی نبوده، بلکه بستگی به عواملی دارد که طرفین قرارداد در برخی از آن نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد. به همین دلیل، انگیزه‌ای نیرومندی برای فعالیت بیشتر، جهت تحقق اهداف در نظر گرفته شده، ایجاد می‌شود(فراهانی‌فرد، ۱۳۹۱: ۹۷).

۳- کاهش فشار تورمی و هزینه تولید.

یکی دیگر از مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری بدون ربا، کاهش هزینه تولید و کاهش فشار تورمی است، به این بیان که: «در نظام ربوی [هم چنین در استفاده از عقود مبادله‌ی]، در چرخه درآمد- مخارج، در صورتی که فعالیت تولیدی به نتیجه نرسد و درآمدی عاید تولید کنندگان نشود، به علت پرداخت بهره از سوی تولیدکنندگان (در ازای دریافت وام از مصرف کنندگان)، توازن میان گردش درآمد پولی و درآمد واقعی از بین می‌رود و موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها [تورم] می‌شود، اما اگر سرمایه گذاری در چارچوب بانکداری اسلامی صورت پذیرد، تعادل بین دو طرف همواره برقرار خواهد بود، زیرا در صورت با ضرر مواجه شدن بنگاه، به لحاظ شریک بودن صاحب سرمایه، هیچ پرداختی به او صورت نمی‌گیرد و در نتیجه، جمع درآمد عوامل با مخارج بازار کالا مساوی می‌شود و افزایشی در قیمت‌ها صورت نمی‌پذیرد. بنابراین، ساختار قانونی نظام بانکی در اسلام، به چهار دلیل از پیدایش تورم پیش گیری می‌کند:

تناسب بین حجم پول و امکانات بالقوه فعالیت اقتصادی؛

کاهش تقاضای پول در نتیجه فقدان فعالیت‌های سفته‌بازی نا مشروع؛

انتقال منحنی عرضه کل در اثر افزایش اشتغال و سطح تولید؛

توازن میان درآمد- مخارج در گردش واقعی و پولی اقتصاد»(نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

اما کاهش هزینه تولید؛ در صورتی هزینه تولید سنگین و کمرشکن می‌شود که اقتصاد در دوران رکود خود قرار گرفته و تولید کننده، وام دریافت کرده باشد، اما تولیدات او در بازار به فروش نرود، وقت فروش محصول به مشکل برخورد، از آن طرف هم باید اقساط وام دریافتی و سود آن را پرداخته کند، در این صورت، اگر پروژه به واسطه وامی با سود ثابت تأمین مالی شده باشد، به دلیل عدم توان باز پرداخت وام، تولید کننده ورشکست

خواهد شد، زیرا تولید کننده‌ای که قادر به فروش محصول خود نیست، توان بازپرداخت اقساط وام با سود ثابت یا بهره را نیز نخواهد داشت، اما اگر تأمین مالی پروژه بر اساس مشارکت باشد، این اتفاق رخ نخواهد داد، زیرا تأمین کننده مالی، نه تنها سودی دریافت نخواهد کرد، بلکه به اندازه سهم خود در پروژه، در زیان هم شریک است. به عبارت دیگر: در نظام بانکداری بر اساس عقود مشارکتی، سرمایه گذار یا همان سپرده‌گذار، همان‌گونه که در سود شریک است، در زیان پروژه نیز شریک است و این مسئله خطرهای سرمایه گذاری را کاهش میدهد، زیرا مقداری از خطر را صاحب سرمایه به عهده می‌گیرد که این مسئله به عنوان کاهش هزینه تولید عمل می‌کند.

٤- افزایش سرمایه گذاری و اشتغال

یکی دیگر از امتیازات استفاده از عقد مشارکت در بانکداری بدون ربا، ایجاد اشتغال و سرمایه گذاری است، زیرا اشتغال نتیجه سرمایه گذاری در بخش‌های واقعی اقتصاد است. وقت سرمایه گذاری انجام شد، اشتغال هم ایجاد می‌شود. در نظام بانکداری ربوی، صاحبان پس‌انداز و مؤسسات پولی دارای مازاد منابع، گرفتن بهره را بر فعالیت‌های سرمایه گذاری ترجیح می‌دهند، زیرا گرفتن بهره‌ی ثابت، بدون ریسک و بی خطر است، لذا تمام پس‌اندازها به سرمایه گذاری تبدیل نمی‌شود. بیشتر شدن حجم پس‌انداز از سرمایه گذاری، به این معنا است که مقداری از سرمایه کشور یا در حال انجماد قرار دارد و یا این‌که در کارهای سفته بازی وارد شده است،که در هردو صورت وارد بخش واقعی اقتصاد نشده و در نتیجه اشتغال کم‌تری ایجاد گردیده است(نظرپور، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در حالی که در نظام مشارکت در سود و زیان (pls) با تحریم ربا و منع اوراق قرضه، زمینه‌ای برای اختصاص پس‌انداز به ربا و سفته بازی ربوی پدید نخواهد آمد و یکی از راه‌های مهم برای صاحبان پس‌انداز، مشارکت با تولید کنندگان برای سرمایه گذاری در قالب عقد مشارکت و تکمیل چرخه تولید و مصرف است. در غیر این صورت (در این چارچوب) نه تنها مازادی به پس‌اندازی آن‌ها تعلق نمی‌گیرد که در شرایط تورمی، ارزش دارایی آن‌ها نیز کاهش می‌یابد. بنابراین وجوه عرضه شده برای سرمایه گذاری در کل اقتصاد و اشتغال افزایش خواهد یافت(فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۲۱). علاوه بر آن در نظام

بانکداری اسلامی، فروش اوراق مشارکت و انتظار سود منطقی و شاید بیشتر از نرخ سود بانکی در عقود مبادله‌ای، موجب می‌شود تقاضای مردم برای خرید آن اوراق بیشتر شود و وجوه بیشتری در اختیار نظام بانکی به منظور سرمایه گذاری قرار گیرد(نظرپور، ۱۳۹۳: ۱۰۹). ازطرف دیگر، در نظام ربوی، وقتی تقاضا برای سرمایه گذاری وجود دارد که نرخ بهره (بازده) آن بزرگ‌تر از نرخ اوراق قرضه باشد. افزون بر آن، در صورت انتظار کاهش نرخ بهره، تقاضا برای وجوه، حتی با فرض برتری بازدهی سرمایه از بهره، پایین می‌آید، در صورتی که در چارچوب قراردادهای مشارکتی، به علت امکان پذیر نبودن سفته بازی و استفاده از بهره پول، تا وقت نرخ بهره‌وری بزرگ‌تر از صفر باشد، متقاضی برای دریافت وجوه و صرف آن در سرمایه گذاری وجود دارد. البته در نظام مشارکتی در وهله اول، فعالیت‌ها با یکدیگر مقایسه شده و در هر فعالیت تولیدی که نرخ سود انتظاری بیشتر است، سرمایه گذاری انجام خواهد گرفت. در نهایت، در صورت وجود منابع پولی در هر طرحی که دارای بازده انتظاری مثبت باشد، سرمایه گذاری انجام خواهد شد(نظرپور،۱۳۹۳: ۱۱۰). در نتیجه اشتغال هم افزایش خواهد یافت.

۵- توزیع ریسک

در نظام اقتصادی اسلامی، ریسک بر دو قسم دسته بندی می‌شود، یک ریسک عادی و معمولی که هر معامله‌ی با آن مواجه می‌باشد، یعنی طبیعت معامله مقتضی چنین خطری هست. دوم ریسک غیر عادی که در فقه از آن به غرر یاد می‌شود و مبطل عقد و قرار داد است. لذا نوع دوم ریسک از نگاه اسلام منتفی و وجود آن بهم زننده قرارداد است، نوع اول را قبول دارد، اما باید به صورت صحیح مدیریت شود، بنابراین نگرش اسلام به ریسک، در بانکداری اسلامی محتاطانه است، به طوری که اجازه نمی‌دهد قراردادها با نا اطمنانی‌هایی بیش از اندازه همراد باشد. باید توجه داشت که از لحاظ نظری، حذف انواع ریسک در فعالیت‌های اقتصادی از جمله در بانکداری، غیر ممکن می‌باشد به همین جهت یکی از وظایف اصلی مدیران بانک‌ها، شناسایی و مدیریت درست انواع ریسک است. با این توضیح کلی باید گفت: در صورت انتظار بازده انتظاری مساوی دو طرح اقتصادی یا دو نظام بانکی، نظامی انتخاب خواهد شد که برای هریک از دو طرف قرارداد، ریسک

کمتری داشته باشد. نظام بانکداری اسلامی که بر اساس تقسیم سود و زیان استوا است، به دلیل توزیع ریسک بین طرف‌های معامله، بر نظام بانکداری که سود ثابت دریافت می‌کند و فقط یک طرف معامله ریسک را تحمل می‌نماید، ارجحیت دارد. به عبارت دیگر: «در بانکداری اسلامی بر اساس مشارکت، بدون این‌که سرمایه درگیر ریسک شود، هیچ گونه سودی برای آن حاصل نمی‌گردد، لذا در نظام مشارکتی سالم، ترس از زیان و امید به سود در تعامل قرار دارد، در حالی که در نظام غیر مشارکتی، ریسک در یک طرف منتقل می‌شود و همواره نگرانی درباره زیان فقط در یک سمت قرارداد وجود دارد(نظرپور، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

٦- حذف مشکل وثیقه

مزیت دیگر بانکداری بر اساس عقد شرکت و دیگر عقود مشابه، حذف وثیقه است. در بانکداری ربوی و بانکداری مبادله‌ای، رابطه متقاضی و بانک، رابطه بدهکار و طلبکار است. یعنی مالکیت بانک بعد از اعطاء تسهیلات، با وجوه پرداختی قطع می‌شود و لازمه چنین رابطه‌ای، گرفتن وثیقه توسط بانک از دریافت کننده اعتبارات بانکی است، بخصوص در اعتبارات با مبالغ زیاد و بلند مدت. از آن‌جای که ارائه وثیقه قابل قبول برای بسیاری از گیرنده‌گان تسهیلات، مشکل و چه بسا غیر ممکن است؛ در نتیجه بسیاری از صاحبان ایده و خلاقیت‌های اقتصادی، علی‌رغم داشتن توان و تجربه، امکان سرمایه گذاری پیدا نمی‌کنند. این در حالی است که در الگوی بانکداری مشارکتی، خود موضوع قرارداد به عنوان وثیقه معتبر عمل می‌کند. به عبارت دیگر: وقت بر اساس عقد شرکت، بخشی از مایملک شرکت به صورت رسمی و قانونی به اسم بانک شد، خود همان قرارداد وثیقه است(موسویان، ۱۳۸۰: ۲۹۰).

گفتار دوم: معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی با استفاده از عقد شرکت، اگر مزایایی دارد، معایبی نیز دارد، همان‌گونه که ذکر مزایای آن لازم است، بیان معایب آن نیز ضروری است، چون تا مشکلات آن ذکر نشود، برای حل آن چاره اندیشی نیز نخواهد شد، البته به دلیل نوپا بودن بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف، وجود مشکلات و نواقص طبیعی و

عادی است، زیرا هیچ طرحی در مرحله اول به دور از نواقص نیست. شماری از این نواقص و مشکلات به قرار ذیل است:

۱- هزینه‌های هنگفت نظارت

یکی از تفاوت‌های اساسی بین بانکداری متعارف و مشارکتی، در این است که در اولی رابطه بین اعطاء کننده تسهیلات و گیرنده قطع می‌شود، فقط یک رابطه بدهکار و بستان‌کار شکل می‌گیرد، لذا مسؤلیت مال بطور کلی از عهده اعطاء کننده تسهیلات به دوش گیرنده آن منتقل می‌گردد. به همین لحاظ سود و زیان گیرنده تسهیلات و حتی نوع کار او ارتباطی به اعطاء کننده ندارد، اعطاء کننده تسهیلات فقط سود معین شده خود را می‌خواهد، چه گیرنده سود کرده باشد یا نکرده باشد. اما در نظام بانکداری بر اساس مشارکت در سود و زیان، رابطه بدهکار و بستان‌کار نیست بلکه دو طرف شریک پروژه هستند. قابل ذکر است که این شراکت ممکن است بین بانک و گیرنده تسهیلات ایجاد شود، یا بین سپرده‌گذار و گیرنده تسهیلات و یا بین سه طرف، یعنی سپرده‌گذار، بانک و گیرنده تسهیلات شریک باشند. به هرصورت، لازمه مشارکت این است که شریک مراقب اموال و دارایی خود باشد و بر کارهای شریک خود نظارت کند. در بانکداری مرسوم، هزینه نظارت یا سهمی در هزینه تمام شده خدمات ندارد یا سهم بسیار ناچیزی دارد. این درحالی است که تمرکز فعالیت‌های بانکداری اسلامی بر عقدهای مشارکتی، سهم هزینه نظارت بر اجرای طرح‌ها و کنترل آن را به مراتب نسبت به نظام بانکی رایج افزایش می‌دهد(حاجی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

با توجه به ماهیت تأمین مالی مشارکتی، نظارت بر طرح تأمین مالی شده از اهمیت بالای برخوردار است. با توجه به این‌که بسیاری از بانک‌های اسلامی ساختار واسطه مالی دارند، به شکل شایسته بر طرح‌های تأمین مالی مشارکتی نظارت نمی‌کنند. این روند تا حدودی متأثر از هزینه‌های بالای نظارت است(توکلی، ۱۳۹۲: ۳۵۱) یکی از محققین در این رابط می‌گوید: «هزینه‌بر بودن فرایند نظارت از جهت هزینه‌های کارشناسی، احتمال تبانی بین کارشناس ناظر و مدیر طرح، شفاف نبودن شاخص‌های نظارت و نگرانی شریک درباره افشای اطلاعات به علت ترس از امکان بروز سوء استفاده‌های احتمالی در بعضی

موارد را می‌توان از مشکلات نظام بانکی در نظارت بر قراردادهای مشارکتی دانیست» (حاجی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

یکی دیگر از پژوهش‌گران در این رابطه می‌گوید: «امروزه، بزرگ بودن مؤسسات، پیچیده بودن خطوط تولید، گسترده بودن حوزه‌های فعالیت و بازارها، هرگونه نظارت و کنترل را از صاحبان پس انداز و بانک‌ها سلب می‌کند. بنابراین، بر فرض هم «نظام مشارکت» برای کارگاه‌های و مغازه‌های کوچک و محلی، به دلیل امکان نظارت، ممکن باشد؛ اما نمی‌تواند به عنوان یک نظام فراگیر جایگزین بهره شود(میرآخور، ۱۳۷٤: ۱٦۳).

پاسخ این اشکال

در یک تقسیم بندی کلی، خطرات فعالیت‌های اقتصادی به دو گروه دسته بندی می‌شود: خطرات فنی و اقتصادی و خطرات اخلاقی. دسته اول مربوط به اقتصاد حقیقی بوده و ناشی از عدم رعایت اصول فنی و تولیدی و عدم توجه به شرایط بازار و متغیرهای اقتصادی یا بروز حوادث غیر مترقبه چون آتش سوزی، سیل و زلزله و عدم رعایت ضوابط ایمنی است. روشن است که این قبیل خطرات ارتباطی به نظام مشارکتی یا مبادله‌ی ندارد.

گروه دوم خطرات اخلاقی است که ناشی از گزارش‌های خلاف واقع کارفرما و صاحب‌کار اقتصادی است که این گروه خود دو دسته است. گاهی گزارش خلاف مربوط به وقوع خسارت یا کاهش سود در اثر حوادث غیرمترقبه، چون: آتش سوزی، سرقت، حوادث رانندگی است که مسئولیت نهایی با شرکت بیمه بوده و کنترل و بررسی آن‌ها به عهده کارشناسان بیمه می‌باشد، و ارتباطی به بانک‌های تأمین کننده اعتبار مالی ندارد.

دسته دوم: گزارش خلاف در مورد وقوع خسارت یا کاهش سود، مستند به تغییرات اقتصادی از قبیل: کاهش قیمت محصول، افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش دست مزد کارگران، افزایش هزینه تعمیرات و نگهداری، تبلیغات و انبارداری و ... است. این نوع خطرات است که نظام مالی و پولی مبادله‌ی از آن مصونیت دارد اما نظام مشارکتی مجبور است این نوع خطرات را کنترل و نظارت نموده و هزینه‌های آن‌را تقبل نماید. حال باید دید که آیا نظارت و کنترل چنین خطراتی به حدّی هزینه‌بر است که نظام مشارکت را غیر

ممکن یا غیر کارا کند؟ پاسخ ما بر این سوال منفی است زیرا امروزه فعالیت‌های گسترده و متنوعی که در اساس متکی بر کنترل و نظارت است، در جهان اقتصاد جریان دارد و هیچ کدام دچار مشکل غیر قابل حل نمی‌باشند، مانند شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سهامی و سیستم‌های مالیاتی. این شرکت‌ها پیچیدگی‌های بسیار بیشتری از نظام بانکدار بر اساس مشارکت دارد، اما می‌بینیم که به خوبی کار خود را انجام می‌دهند و موفق عمل می‌کنند(موسویان، ۱۳۸۰: ۳۰۰).

البته این مسئله را نیز باید مد نظر قرارداد: هم چنان‌که هزینه نظارت در عقود مشارکتی، هزینه‌های بانک را افزایش می‌دهد، سود عقود مشارکتی نیز بالاتر از سود عقود مبادله‌ای تحقق می‌یابد، زیرا کسانی در عقود مشارکتی حضور می‌یابند که ریسک پذیری بیشتری دارند و معمولا ریسک بالاتر، منتج به سود بیشتر می‌شود(اکبرزاده، ۱۲۹۲: ۱٦۱).

۲- هزینه‌های محاسباتی

یکی دیگر از معایب و مشکلات استفاده از عقد شرکت در بانکداری بدون ربا، هزینه‌های زیاد محاسباتی است، به این بیان که در قراردادهای تأمین مالی مشارکتی باید میزان سود هریک از طرف‌های قرارداد (بانک و شریک یا عامل) در هر دوره مالی بر اساس نسبت‌های تعیین شده و آورده هر یک، تعیین شود، هزینه‌های محاسباتی، به ویژه در صورت تعدد طرح‌ها زیاد است(توکلی، ۱۳۹۲: ۳۵۲). همین عدم انعطاف در شیوه‌های حسابداری باعث می‌شود که بانک‌ها به علت سختی‌های حاصل از جداسازی دقیق حساب‌های موضوع مشارکت، از اجرای درست و واقعی عقد مشارکت بپرهیزند(حاجی آبادی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۷). به علاوه تعدد طرح‌ها از یک‌سو و تعدد سپرده‌گذاران (شرکا) از سوی دیگر، حساب‌رسی سود و زیان هر طرح و نسبت سود و زیان هر سرمایه گذار، کاری بس مشکل است، در نتیجه، هزینه محاسباتی را سنگینی و بانک را از کارایی دور کرده و توان رقابت را از او سلب می‌کند.

۳- مخاطرات اخلاقی

قراردادهای تأمین مالی بانک‌های سنتی به روش وام با پشتوانه وثیقه‌ها و تضمین‌های عینی و شخصی اتکاء دارد و حقوق بانک یا تعهدات مشتری در برابر بانک به نتایج

استفاده او از پولی که موضوع قرارداد است بستگی ندارد، زیرا اصل وام بهره (سود ثابت) آن بر عهده مشتری تضمین شده است. از این جهت، امانتداری مشتری و رفتار ارزشمند و اخلاق عالی او تأثیری بر حقوق بانک ندارد، زیرا حقوق بانک طبق قرارداد تعیین و تضمین شده است. برخلاف تأمین مالی به صورت مشارکتی که سرمایه بانک و سود آن متکی بر امانتداری و خوش حسابی مشتری است، همین عامل ریسک اخلاقی را در قراردادهای مذکور وارد می‌کند(هرورانی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). در عملیات تأمین مالی مشارکتی خطرهای اخلاقی در زمینه چگونگی به کارگیری سرمایه، محاسبه هزینه‌ها، مقدار سود شرکت و سایر موارد وجود دارد. این موضوع دغدغه‌های را در مورد اعتماد بانک به شریک یا عامل به وجود می‌آورد(توکلی، ۱۳۹۲: ۳۵۲). با مقایسه روش‌های تأمین مالی اسلامی (مشارکتی) و روش‌های تأمین مالی متکی بر بهره یا سود ثابت در این زمینه، می‌بینیم که روش نخست، درجه ریسکی بالاتری از روش دوم دارد، زیرا در ورش وام با بهره (سود ثابت) برای اتخاذ قرارداد صحیح از سوی وام دهنده کافی است که بر اطلاعات تکیه کند که دست یافتن به آن معمولا ساده است و آن اطلاعات کلی از توانایی مالی مشتری و کفایت تضمین‌های است که می‌دهد، اما اطلاعات مربوط به صداقت مشتری، امانت‌داری او و انگیزه‌های واقعی‌اش، تأثیر بسیاری بر تحقق نتیجه نهایی ندارد که بازپرداخت وام همراه با بهره (سود ثابت) آن است(نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

خطر اخلاقی در بانکداری بدون بهره [مشارکتی] به دو صورت پدید می‌آید:

اول: به شکل اقدام پنهان شده؛ مانند این‌که تسهیلات دریافتی در کار دیگری یا فعالیت با ریسک بالا به کار برده شود.

دوم: به شکل اطلاعات پنهان شده؛ مانند این‌که اطلاعات نهایی طرح پنهان یا درآمد واقعی یا سود، کتمان شود (دریافت کننده تسهیلات بانکی با کتمان سود مشارکت دو بار نفع می‌برد) (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

نتیجه و اثر مهم این مشکل و عیب در این است که بانک‌های اسلامی، از تأمین مالی به صورت عقود مشارکتی فاصله می‌گیرند، زیرا برای آن‌ها به تجربه ثابت شده است که سطح امانت‌داری اکثر مشتریان بانک پایین می‌باشد و در قراردادهایی که طبیعت آن‌ها

عقود اذنی است، و مشتری امین سرمایه بانک شمرده می‌شود، نتیجه آن، زیان یا سود اندک و غیر واقعی است.

برخی نظریه پردازان، پیامد این مشکل را چنین تشریح کرده اند: در دهه پنجاه میلادی، هنگام ظهور نخستین نوشته‌ها در این باره تصور می‌کردند که قراردادهای شرکت و مضاربه جایگزین واقعی تأمین مالی با بهره است و می‌تواند نتایج خوبی از روش تأمین مالی اسلامی، مانند عدالت در توزیع درآمد و ثروت و جنگ با فقر و برقراری ثبات اقتصادی را به جامعه تقدیم کند، ولی نتیجه غیر از این بود، زیرا بانک‌های اسلامی از انواع مشارکت دوری گزیدند و به تأمین مالی مبتنی بر بدهی روی آوردند تا آن‌جا که قراردادهای فروش که به بدهی می‌انجامید (مانند مرابحه و استصناع) اساس فعالیت این بنگاه‌ها شد. از این رو، طبیعت بانکدار بانک‌های اسلامی، شبیه بانک‌های رایج شد، زیرا فعالیت هردو، ایجاد بدهی است،با این تفاوت‌که بدهی دربانک‌های‌اسلامی از قراردادهایی نظیر فروش اقساطی (مرابحه)، اجاره به شرط تملیک، استصناع و سایر عقود مبادله‌ای پدید میآید، ولی در بانک‌های رایج ناشی از وام است. گرچه ضرورتا قراردادهای مبادله‌ای لازم است که به‌گونه‌ای با بخش حقیقی اقتصاد در ارتباط باشد، اما قراردادهای تجهیز و تخصیص در بانکداری رایج با چنین الزامی مواجه نیستند(نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰۷).

٤- اطلاعات نا متقارن و عدم اعتماد در رابطه با سود و زیان

عدم تقارن اطلاعات، اشاره به وضعیتی دارد که در آن یک طرف قرارداد مالی دارای اطلاعات بسیار کمتری از طرف دیگر است؛ مانند آن که دریافت کنندگان تسهیلات مالی از بانک‌ها، معمولا دارای اطلاعات بهتری در باره پروژه سرمایه گذاری هستند،[1] هنگامی که عدم تقارن اطلاعات در بانکداری بدون ربا وجود داشته باشد، مشکل انتخاب بد روی

۱- شخصی دارای اطلاعات بیشتر، ممکن است دریافت کننده تسهیلات باشد و ممکن است هنگام دریافت سپرده-های مردم، خود بانک باشد؛ زیرا از یک سوء، مشتری تسهیلات قبل از انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات در قالب عقود مشارکتی، نسبت به مسائل اختصاصی طرح مورد نظر برتری اطلاعاتی دارد و می‌تواند از این برتری اطلاعاتی نسبت به بانک، سوء استفاده کند و برای طرحی که توجیه لازم یا بازدهی کافی ندارد، یا دارای ریسک زیاد است، تسهیلات دریافت کند. از سوی هم ممکن است بانک‌ها اطلاعات کافی داشته باشند، چنانچه در بندهای از قراردادی که توسط بانک قبلا آماده شده، گنجانده شده است، اما سرمایه گذار و عامل، بدون مطاله دقیق بندهای قرارداد، آن را امضاء کند و بعد از آن سوء استفاده نماید.

می‌دهد، و به دلیل عدم امکان شناخت کافی بانک از متقاضی تسهیلات، در مواردی تسهیلات به کسانی اعطاء می‌شود که احتمال می‌رود منابع مالی تخصیص داده شده برگشت نکند(میرجلیلی، ۱۳۸۲: ٤٩٥). یا دچار مشکل شود.

وجود اطلاعات نا متقارق مانع از کاربرد کارآمد ابزارهای مشارکتی می‌شود، مگر آنکه صاحبان بانک از طریق نظارت بر اجرای قرارداد، مشکل عدم تقارن اطلاعات را حل کند(اکبرزاده، ۱۳۹۲: ١٦١). متأسفانه در حال حاضر، در اکثر موارد نه سپرده‌گذاران و نه سرمایه‌گذاران (در اغلب موارد حتی کارمندان و مدیران بانک) درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف نداشته و نقل و انتقال وجوه فقط محدود به امضای چند قراداد شده است. این مسئله به شدت سبب تردید صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی می‌شود(اکبرزاده، ۱۳۹۲: ١٦١).

نظام مالی اسلامی از آن جهت نسبت به نظام رایج ارجح است که در عقود مشارکتی، ریسک فعالیت اقتصادی را توزیع می‌کند، به این شرط که سرمایه گذار و تسهیلات دهنده، هردو از یک نوع اطلاعات بهره بگیرند. اگر فرض متقارن بودن اطلاعات[1] این دو، منظور نشود، در این صورت قراردادهای وام در بانکداری رایج به دلیل نداشتن هزینه‌های نظارت، مزیت خواهد یافت. اگر امکان رفتار نادرست و تقلب آمیز از جانب هریک از طرفین قرارداد حذف شود، هزینه‌های نظارتی کاملا کاهش خواهد یافت و با توجه به این‌که نیروی محرکه در جامعه اسلامی، وجود اعتقادات دینی و مذهبی و رعایت کامل قوانین شرعی می‌باشد، طبیعی است که با این پیش فرض، صداقت و رعایت شرایط قرارداد جزء لاینفک رفتار اسلامی باشد. بنابراین، در نظام کاملا اسلامی، در مجموع هزینه‌های نظارتی ناچیز و کمتر از نظام مبتنی بر بهره است(نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲۳). اما در شرایط فعلی که رعایت مقررات اسلامی در بخش‌های بزرگ از جوامع اسلامی، در حداقل خود قرار دارد، مشکل عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه هزینه‌های هنگفت نظارت، بر شانه‌های بانکداری بدون ربا سنگینی می‌کند و آنرا در میدان رقابت

۱ -**Symmetric informatikn**

با بانکداری رایج با مشکل مواجه کرده است. این مسئله پا برجا است تا این‌که راهکارهای عملی برای رفع این مشکل پیدا شود.

۵- ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور

فعالیت بانکداری متعارف بر بازارهای پولی متمرکز است. بازارهای که در اساس ساختار تشکیلاتی و عمل‌کرد آن‌ها با ساختار که بتوان فعالیت‌های مشارکتی را به درستی به سرانجام برساند متفاوت است. ساختار بانک متعارف از سپرده‌گذاری از یک‌سو و وام‌دهی از سوی دیگر تشکیل شده است و کارکرد آن تنظیم عرضه و تقاضای در بازار پول است. روابط اقتصادی و حقوقی حاکم بر سپرده‌گذاری و وام‌دهی سنخیت تمام با روابط مشارکتی (شراکت در سود و زیان فعالیت اقتصای) ندارد. ورود به عملیات اجرایی یا دست کم کنترل و نظارت بر اجرای طرح‌ها و پروژه‌های موضوع قراردادهای مشارکتی نیازمند برخورداری از ساختاری است که اولا، بسیار منعطف باشد. در حقیقت از آنجا که سود و زیان عقدهای مشارکتی تابع سود و زیان فعالیت اقتصادی است؛ بنابراین نمی‌تواند به طور قطع و برای زمان مشخصی تضمین سود ثابت به سپرده‌گذاران و سهامداران بانک داد. در صورت اجرای دقیق مشارکت در سود و زیان، سودهای پرداختی به سپرده‌گذاران در ارتباط مستقیم با شرایط اقتصادی خواهد بود و نمی‌توان آن را از پیش تعیین کرد؛ ثانیا، به لحاظ حوزه فعالیت، بسیار وسیع باشد. طبق نظریه‌های مالی، مدیریت سرمایه‌گذاری بهینه، حالتی است که سرمایه گذاری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی صورت گیرد تا از این راه ریسک ناشی از سرمایه گذاری کاهش یابد. اگرچه گسترده بودن سرمایه‌گذاری در بانکداری متعارف نیز وجود دارد؛ اما این گستردگی به همراه حجم وسیع سرمایه گذاری در بانکداری اسلامی بیشتر نمود دارد چرا که مؤسسه‌های مالی سپرده پذیر که به فعالیت مشارکتی اقدام می‌کند به منظور رقابت با مؤسسه‌های دیگر در جذب سپرده‌گذاران لازم است وارد حوزه گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی شود تا ریسک خود را کاهش و بالاترین بازدهی به سپرده‌گذاران پرداخت کند؛ ثالثا، هزینه‌های مترتب بر انجام کنترل‌ها و نظارت‌ها مستمر را متقبل شود. در بانکداری مرسوم، هزینه نظارت یا سهمی در هزینه تمام شده خدمات ندارد یا سهم بسیار ناچیزی دارد. این در حالی است که تمرکز

فعالیت‌ها بانکداری اسلامی بر عقدهای مشارکتی، سهم هزینه نظارت بر اجرای طرح‌ها و کنترل آن‌را به مراتب نسبت به نظام بانکی متعارف، افزایش می‌دهد(حاجی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳).

از سوی دیگر بازار پول بازاری برای دادوستد پول و دیگر دارایی‌های مالی جانشین پول است که سررسید کوتاه مدتی دارند. همچنین می‌توان از بازار پول به عنوان بازار ابزارهای با ویژگی ریسک پایین، قدرت نقد شوندگی بالا و ارزش اسمی فراوان نام برد. تمرکز فعالیت این بازار در استفاده از ابزارهایی است که به اشخاص و بنگاه‌های تجاری این امکان را می‌دهد که به سرعت نقدینگی خود را به میزان مطلوب برسانند. به طور کلی بازار پول وظیفه پاسخ گویی به تقاضای وجوه کوتاه‌مدت بخش خصوصی و بخش دولتی را برعهده دارد. به عبارت دیگر چنانکه برای مدت زمان کوتاه و کم‌تر از یک سال اعتبار داده شود، عملیات در بازار پول صورت گرفته است. با توجه به این تعریف کارکرد اصلی آن را می‌توان دادن تسهیلات برای واحدهای اقتصادی جهت رفع نیاز نقدینگی و نیز تأمین سرمایه در گردش کوتاه‌مدت دانست(رضایی، ۱۳۸۹).

٦- مشکل تأمین مالی دولت

با این‌که بانکداری اسلامی به سطح خوبی از توفیق و گسترش رسیده و توانسته‌است به قابلیت مناسبی در کار و تحول در روش‌های تأمین مالی برسد تا نیازها و هدف‌های مردم را پاسخ دهند، ولی در تأمین مالی منابع مالی دولت در ابتدای راه یا حتی نا توان هستند(نظرپور ودیگران، ۱۳۹۳: ۳۲٦). در حال حاضر نیاز دولت‌ها به تأمین مالی در کشورهای مختلف با درآمدهای متفاوت مانند مالیات‌ها، عوارض و درآمد مستغلات آن‌ها بر طرف می‌شود ولی در بسیاری از موارد نیز نیاز به استقراض پیدا می‌کنند به گونه‌ای که با انتشار اوراق در بازارهای مالی از بانک‌ها و عموم مردم وام می‌گیرند.

وضع دولت‌ها در کشورهای اسلامی نیز چنین است و آنان مانند هر دولت دیگر در عصر حاضر نیازمند تأمین مالی هستند و به روش شبیه آنچه بیان شد به آن دست می‌یابند. اگر بانک‌های اسلامی را که در جوامع مسلمانان فعالیت می‌کنند بررسی کنیم، می‌بینیم از تأمین این نیاز اساسی ناتوان‌اند. ضرورتی ندارد که تأکید کنیم اگر در جامعه‌ای دولت

همچنان وام با بهره می‌گیرد و هنوز برای این‌گونه وام‌ها جای‌گزینی نیافته که نیاز دولت را به طور مشروع برطرف کند. در چنین جامعه‌ای برای تحقق حاکمیت نظام اسلامی راهی وجود نخواهد داشت(هرورانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۷- ناسازگاری قراردادهای مشارکتی با اهداف و روحیات متقاضیان تسهیلات

متقاضیان وجوه تسهیلات بانکی دو دسته هستند؛ گروه اول کسانی اندکه برای تأمین نیازهای مصرفی مانند خرید مسکن، اتومبیل، جهیزیه عروس ودیگر کالاهای با دوام تقاضای تسهیلات دارند، این گروه ترجیح می‌دهند که با قراردادهای با نرخ ثابت و معیین معامله کنند تا بتوانند برای بازپرداخت اقساط ماهیانه از محل درآمدشان برنامه ریزی کنند.

گروه دوم، صاحبان بنگاه‌های اقتصادی هستند که برای تأمین یا تکمیل سرمایه بنگاه، تقاضای تسهیلات می‌کنند. این گروه از مشتریان، از جهت روحیه به دو دسته تقسیم می‌شوند، گروه اول، افراد ریسک پذیرند و ترجیح می‌دهند خود عهده‌دار تمام مخاطرات اقتصادی بنگاه باشند و در مقابل کل سود متعلق به آنان باشد و کسی را در جایگاه شریک نمی‌پذیرند. طبعا این گروه ترجیح می‌دهند که با قراردادهای با نرخ ثابت قرارداد وارد معامله شوند.

دسته دوم، افراد ریسک گریزند و ترجیح می‌دهند تا جای که امکان دارد، ریسک سرمایه گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را به دیگران منتقل کنند. در نتیجه در تأمین سرمایه سراغ مؤسسه‌های می‌روند که در ریسک بنگاه مشارکت می‌کنند. نتیجه این‌که متقاضیان تسهیلات از بانک‌های تجاری، یا مصرف کنندگان هستند که دنبال قراردادهای با سود معین می‌روند یا آن گروه از بنگاهای تولیدی و تجاری هستند که قراردادهای با سود معین را ترجیح می‌دهند(نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱٤۸).

تجربه بیست سال گذشته بانکداری بدون ربا نیز نشان می‌دهد مصرف کننده یا تولید کننده‌ای که به بانک تجاری مراجعه می‌کند، دنبال نقدینگی برای تهیه کالاها و خدمات یا پرداخت‌های معوقه خود است و هرگز دنبال شریک نمی‌گردد و اگر هم به سبب قانون، مشارکت بر او تحمیل شده، تا جای که توانسته از زیربار مشارکت و مضاربه شانه خالی کرده است(غنی نژاد،۱۳۸۳: ۲٦۸). بدین سبب، قراردادهای مشارکتی پاسخگوی

ترجیحات متقاضیات تسهیلات نبوده و همین امر باعث گشته است که از حجم تسهیلات براساس عقود مشارکتی کاسته شود و تسهیلاتی بر مبنای عقود مبادله‌ای افزوده گردد.

جدول مقایسه مزایا و معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی

ردیف	مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی	معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی
۱	توزیع عالانه ثروت در جامعه	هزینه‌های هنگفت نظارت از جانب شریک
۲	افزایش بهره‌وری در تولید	هزینه‌های محاسباتی بانک
۳	کاهش فشار تورمی و کاهش هزینه تولید	مشکل مخاطرات اخلاقی
٤	افزایش سرمایه گذاری و اشتغال	اطلاعات نا متقارن و عدم اعتماد در رابطه با سود و زیان
٥	توزیع ریسک	ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور
٦	حذف مشکل وثیقه از دریافت کنندگا اعتبارات	مشکل تأمین مالی دولت
۷		ناسازگاری قراردادهای مشارکتی با اهداف و روحیات متقاضیان تسهیلات

نتیجه گیری

در این نوشته، تلاش شده است مزایا و معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی مورد بحث و بررسی قرارداده شود، لذا این فصل در دو گفتار تدوین گردیده است، گفتار اول بیان‌گر مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی است که در این گفتار، قبل از بیان مزایای آن، ویژگی‌های خاص استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی بصورت مختصر ذکر شدده که عبارت باشد از: متغیر بودن سود، مشارکت طرفین

در سود و زیان، مستمر بودن قرارداد، اذنی بودن قراداد، نیازمند نظارت و کنترل از جانب شریک.

در قسمت مزایای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی به توزیع عالانه ثروت، افزایش بهره وری، کاهش فشار تورمی و کاهش هزینه تولید، افزایش سرمایه گذاری و اشتغال، توزیع ریسک و حذف مشکل وثیقه از دریافت کنندگان اعتبارات بانکی اشاره شده است.

گفتار دوم که بیان‌گر معایب استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی است، مشکلاتی مانند: هزینه‌های هنگفت نظارت از جانب شریک، هزینه‌های محاسباتی، مشکل مخاطرات اخلاقی، اطلاعات نامتقارن و عدم اعتماد در رابطه با سود و زیان، ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور و مشکل تأمین مالی دولت را به عنوان مهم ترین فاکتورهای استفاده از عقد شرکت در بانکداری اسلامی بیان کرده است.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱) احمدی حاجی‌آبادی، سیدروح الله و احمد بهاروندی(۱۳۸۹)، راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸.

۲) پیرهادی، محمدرضا و عطیه حیدر(۱۳۹٤)، بررسی قرارداد مرابحه درمتون فقهی وحقوقی و نظام بانکی، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال دوم، شماره چهارم.

۳) توکلی، محمدجواد(۱۳۹۲)، سازوکار بانکداری اسلامی، نشرالمصطفی، قم.

٤) حسین هرورانی، مصطفی زه تابیان و مهدی هرورانی(۱۳۸۹)، نقدی بر بانکداری اسلامی، دانشگاه امام صادق.

۵) رضایی، شیوا (۱۳۷۹)، نقش و آینده مؤسسات اعتباری غیربانکی درتوسعه اقتصاد کشور، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری، تهران.

٦) صدر، انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

۷) طالبی، محمد و کیانی، حسن(۱۳۹۱)، ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری اسلامی ایران، تحقیقات مالی اسلامی، سال اول، شماره دوم.

۸) فراهانی فرد، سعید(۱۳۸۱)، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

۹) فراهانی‌فرد، سعید(۱۳۹۱)، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا، (بررسی فقهی– اقتصادی)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.

۱۰)کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۳)، حقوق مدنی، جلد دوم، گنج دانش، چاپ ششم، تهران.

۱۱)معین اکبرزاده(۱۳۹۲)، مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی، فصل نامه علمی– ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ٤ و۵.

۱۲)موسویان، سیدعباس(۱۳۸۰)، بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی.

۱۳) غنی نژاد، موسی(۱۳۸۳)، بررسی برخی نظرات مربوط به بانکداری بدون بهره، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تجربه دو دهه بانکداری اسلامی و چالش‌های پیش‌رو، ابعاد نظری، ساختاری و اجرایی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی، تهران.
۱٤)میرآخور،عباس(۱۳۷٤)، مطالعات نظری دربانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه: ضیایی، مؤسسه بانکداری ایران، تهران.
۱۵) میرجلیلی، حسین(۱۳۸۲)، عدم تقارن اطلاعات و نظارت دربانکداری ایران، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی، اصلاح ساختار مالی و نظارتی در بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری اسلامی، بانک مرکزی، تهران.
۱٦) نظرپور، محمد نقی و موسویان، سیدعباس(۱۳۹۳)، بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه، دانشگاه مفید، قم.
۱۷)نظرپور، محمدنقی و فرشته ملاکریمی(۱۳۹٤)، بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۷.